

## راهبرد پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی<sup>۱</sup>

دکتر سید علاءالدین شاه‌رخی<sup>۲</sup>

### چکیده

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که مسئولیت بسیار مهم ختم نبوت و ابلاغ دین اسلام را عهده‌دار بود تعالیم جامع و انسان‌ساز اسلام، از جمله موضوع وحدت امت اسلامی، را به گونه‌ای ملموس و با استفاده از ظرفیت‌های فکری و اجتماعی جوامع بشری بر آنان ابلاغ نمود. در نتیجه، برخی از این راهبردها در مدتی نه چندان طولانی در قالب فرهنگ اسلامی نمایان گشت. قابلیت‌ها و خصوصیات فرهنگ اسلامی سبب شد تا در محدودیت مکانی و زمانی خاص قرار نگیرد، از این رو انتظار می‌رفت با گسترش فرهنگ اسلامی، وحدت امت نیز به عنوان یکی از ارکان این فرهنگ توسعه و استحکام یابد، حال آن‌که به محض رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این بخش از فرهنگ اسلامی هم‌چون اجزای دیگر مورد غفلت قرار گرفت.

این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - تاریخی ضمن بررسی موضوع وحدت اسلامی در سیره نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به بیان محورهای مهم اقدامات آن حضرت در بسترسازی زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری اتحاد در فرهنگ اسلامی می‌پردازد. آگاهی‌بخشی به جامعه، مبارزه با تعصبات غیرمنطقی جاهلانه، طرد قومیت‌گرایی افراطی، رایۀ اعتقاد به توحید به عنوان محور وحدت، طرح حقوق مشترک انسانی و به کارگیری اخلاق اسلامی مهم‌ترین محورهای راهبرد پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی بود.

واژگان کلیدی: پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اتحاد اسلامی، راهبرد، فرهنگ، جهان اسلام، قرآن، سنت.

### مقدمه

فرهنگ واژه‌ای است که از جانب بسیاری از متفکران مورد توجه قرار گرفته و از آن تعریف‌های متعددی ارائه شده است. با توجه به این تعریف‌ها، فرهنگ را می‌توان حیات فکری و اجتماعی هر

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۴/۸؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۰/۲۵.

۲- استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان

جامعه دانست؛ مجموعه‌ای از سنت‌های زنده و تاریخی و اعتقادات که دربردارنده کل زندگی جمعی و ارزش‌های موجود در حیات یک ملت است و در هر عصر فرهنگی نوعی تفکر شاخص زندگی فرهنگی آن عصر می‌باشد.

در هنگام بعثت حضرت محمد ﷺ، در شبه‌جزیره عربستان فرهنگ جاهلی حکم‌فرما بود. اجزای مهم این فرهنگ مواردی هم‌چون زور، شمشیر، جنگ، خون‌ریزی، انتقام، ارزش نهادن به حَسَب و نَسَب، عدم رواج خواندن و نوشتن، فساد، ظلم، اختلاف طبقاتی، پای‌بندی به پیمان‌های قومی و برخی دیگر از ردائل اخلاقی و رفتاری بود که در قرآن به برخی از آنها اشاره شده و مورد نکوهش قرار گرفته است.

یکی از بارزترین خصوصیات فرهنگی این جامعه اختلافات عمیق میان مردم و قبایل مختلف بوده است. البته در نگاه عام، این واقعیت دردناک در همه اعصار و در جوامع مختلف دیده می‌شود. با وجود این، به سبب عدم وجود حکومت مرکزی و نبود کشوری واحد، ظهور اختلافات، درگیری و جنگ در این جامعه تبلور بیشتری یافته است به گونه‌ای که تنها ملاک بسیار مهم برای قبیله‌های مختلف که عموماً به صورت پراکنده و تقریباً مستقل زندگی می‌کردند و بیسواد و ناآگاه بودند تعصبات قومی و نژادی بود. زندگی مبتنی بر پرورش دام و کمبود مراتع نیز مزید بر علت بود. برتری طلبی، کسب افتخار و شرافت، گاه و بیگاه آتش جنگی را میان آنان شعله‌ور می‌ساخت (ابن‌عبدربه، ۱۹۸۶م، ج ۵، ص ۱۵۱) که در برخی موارد به علت عصبیت و یک‌دندگی آنها سال‌های متمادی به طول می‌انجامید.

رسالت جهانی پیامبر اعظم ﷺ نجات و سعادت همه انسان‌ها از جهالت و انحراف و رستگاری همگی آنان بود. اولین چیزی که اسلام و قرآن از مردم زمان جاهلی گرفت تشتت آرا و عقاید مذهبی بود که به جای آن وحدت عقیده بر مبنای توحید را مطرح نمود. تا قبل از آن، فرهنگ بت‌پرستی در حجاز، فرهنگ موبدی در ایران و فرهنگ تثلیث در روم نتوانسته بود چنین وحدتی را ایجاد نماید (مطهری، ۱۳۵۹ش، ص ۲۶۹).

این که رسول گرامی اسلام چگونه توانست در جامعه‌ای که اختلاف و تشتت همه ارکان زندگی آنان را فرا گرفته بود و در واقع بخشی از فرهنگشان بود برای اقامه وحدت میان آنان تلاش نماید و حتی به گونه‌ای طراحی نماید که از طریق بیان الگویی اجتماعی - فرهنگی، آن را به جامعه عصر خود و همه اعصار آینده بیاوراند، موضوعی است که به بررسی و مطالعه جدی نیاز دارد. خوشبختانه با تلاش علمای متعهد و بیدار اسلامی در قرون اخیر گام‌هایی جدی و استوار برای احیای این سنت

نبوی برداشته شده است و از این رو بسیاری از دسیسه‌ها و تلاش‌های مذبحخانه استعمار بی‌نتیجه مانده است. با وجود این، تردیدی وجود ندارد که در این راستا می‌بایست اهتمام بیشتری نمود. طرح مطالعات عمیق به منظور شناخت و آگاهی یافتن از راهبرد حضرت ختمی مرتبت در بنیان وحدت و انسجام اسلامی علاوه بر آگاه کردن مسلمانان از این مهم می‌تواند دریچه‌ای در جهت الگوگیری از سنت آن حضرت برای همگان بگشاید.

این پژوهش با استفاده از روش پژوهش تاریخی - تحلیلی به مطالعه رهیافت‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در گذر دادن جوامع پراکنده و متفرق به امت واحد اسلامی می‌پردازد. نتایج این قبیل پژوهش‌ها می‌تواند طرح‌های نوینی فراروی جوامع اسلامی در تأسی به سنت حسنه آن آخرین فرستاده الهی بگشاید.

### مبانی نظری پژوهش

ابتدا ضرورت دارد برخی واژگان این پژوهش به منظور درک بهتر مباحث تبیین شود. راهبرد، معادل واژه لاتین (strategy) و به مفهوم هنر راه بردن و قصد موفقیت می‌باشد. این واژه را اصطلاحاً بر خطامشی‌های نسبتاً بلندمدت نظامی، سیاسی، اخلاقی و اقتصادی دولت‌ها اطلاق کرده‌اند. گاهی نیز آن را هنر علم و فن و هدایت و رهبری یک مجموعه و نظامات مربوط به امری خاص تعریف کرده‌اند (آراسته‌خو، ۱۳۷۰ش، ص ۴۱) این واژه در پژوهش حاضر به معنای هنر طرح‌ریزی و دانش ترکیب و تلفیق عملیات کارکردها و کنش‌های مختلف برای دست‌یابی به اهدافی مشخص با تجهیز همه امکانات انسانی، سیاسی، نظامی و معنوی می‌باشد.

واژه فرهنگ نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته و از آن تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. پیچیدگی این واژه تنها به سبب دلالت بر پدیده‌های مختلف و متعدد نیست بلکه به نظر می‌رسد که چون موضوع فرهنگ، انسان می‌باشد این پیچیدگی به عرصه فرهنگ نیز راه یافته است. از آن‌جا که رکن اصلی بشر را عقل و تفکر وی شکل می‌دهد و از این طریق وی حیات فردی و اجتماعی را نیز شکل می‌دهد، بنابراین فرهنگ عبارت است از تفکر (اندیشه) و احساسات و عمل و همان‌گونه که در مقدمه ذکر گردید، فرهنگ، حیات فکری و اجتماعی هر جامعه است.

ممکن است چنین تصور شود که فرهنگ‌ها برای حفظ خود در مقابل تغییر، پایداری و مقاومت نشان می‌دهند ولی واقعیت آن است که جذب و دفع فرهنگی ویژگی مستمر فرهنگ‌ها می‌باشد. در

تغییر و تحول فرهنگی پدیده‌هایی مانند معرفت، عقاید، آیین‌های دینی و اخلاقی، هنرها، بینش‌ها و جز اینها دخالت دارد (باتامور، ۱۳۵۷ش، ص ۳۳۹).

چنین به نظر می‌رسد که وقتی بنا بر شرایط و ضرورت‌های زندگی اجتماعی پدیده‌ای فرهنگی، هم‌چون قانون اینرسی (مانند) در فیزیک و یا مفهوم نیروی عادت (force of habit) که ما را وامی‌دارد تا راه‌های رفته را ادامه دهیم و از گزینش راه‌های جدید دوری گزینیم و مفهوم اصطلاح خودمختاری کنشی (Functional Autonomy) یعنی تداوم یک رفتار در غیاب انگیزش ابتدایی و اصلی در روان‌شناسی (لمان، ۱۳۵۲ش، ج ۱، ص ۴۶۶-۴۶۷)، زاینده می‌شود تمایل دارد که تا حد امکان به حیات خود ادامه دهد.

با این حال، عناصر فرهنگی هر جامعه در عین تمایل به بقا بر اثر عواملی مختلف دچار تغییر و تحول نیز شده است. مواردی از قبیل مهاجرت اقوام بیگانه، نبردها، ارتباطات اجتماعی و بازرگانی و ظهور و گسترش افکار و ادیان جدید از عوامل تأثیرگذار در روند تغییر و تحول فرهنگی می‌باشد. قابل ذکر است که شدت و مقدار تحول‌پذیری فرهنگی، به میزان نوع جذب عناصر مفید و سازگار و دفع عناصر غیرمفید و ناسازگار از دیگر فرهنگ‌ها بستگی دارد (گرانپایه، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۶۰).

### الف - اختلاف و تفرقه جوامع بشری هم‌زمان با بعثت پیامبر اسلام ﷺ

شناختی هرچند اجمالی از اختلافات عمیق در شبه‌جزیره عربستان و برخی از امپراتوری‌های همسایه آن مقارن با بعثت رسول اعظم ﷺ می‌تواند بخشی از تأثیرات عظیم فرهنگی اسلام را در این راستا تبیین نماید. آنچه در آن هنگام بر عربستان کاملاً تسلط داشته، جاهلیت بوده است. با این‌که معنای مشهور جهل، نداشتن علم است معانی دیگر آن سفاهت، حماقت، حقارت، خشم و تسلیم‌ناپذیری در برابر اسلام و احکام آن ذکر شده است (جوادی‌علی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۴۰) و از نظر اسلام به برخی روایات اعراب از قبیل مزاج جنگی، حساسیت عربی، قساوت در انتقام و مسائلی هم‌چون شرب خمر، قماربازی و آنچه در ردیف آن است صفت جاهلی اطلاق شده است (بلاشر، ۱۳۶۳ش، ص ۴۷). از نظر راغب اصفهانی این واژه در قرآن به سه معنا به کار رفته است: ۱- نادانی؛ ۲- اعتقاد به آنچه خلاف واقع است؛ ۳- انجام عملی برخلاف آنچه حق است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۰۲).

شاخصه اصلی جامعه جاهلی عرب، تشتت و پراکندگی بود. بت‌پرستی نه تنها موجب وحدت آنان نشده بود بلکه وجود بت‌های متعدد، عامل تفرقه بیشتر بود. قبیله هم تنها سبب اجتماع مردم وابسته به خود می‌شد. در یک قبیله وحدت خونی پایه‌های آن را استوار می‌کرد. بر همین اساس، نسب در میان عرب ارزش یافته و در واقع ارزش‌های هر فرد را موقعیت قبیله او معین می‌کرد (آلوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۰). در نتیجه محور حیات اجتماعی و حتی فردی آنان را تعصبات قومی و خونی تشکیل می‌داد. خداوند متعال در مورد این ویژگی آنان می‌فرماید: «هنگامی که کفار در قلب‌هایشان تعصب جاهلیت قرار دادند» (قرآن کریم، سوره ۴۸، آیه ۲۶). البته این جامعه با مشکلات دیگری نیز روبه‌رو بود، چنان‌که بنا بر گفته امیرالمؤمنین علی علیه السلام خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را زمانی برانگیخت که هیچ کدام از اعراب کتاب نمی‌خواندند (ابن کثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۱۴).

در سایر جوامع از جمله روم و ایران نیز با این‌که از تمدن‌های بزرگ عصر خود محسوب می‌شدند، مشکلات مختلف از جمله تفرقه حکم‌فرما بود. برای مثال، در امپراتوری ساسانیان که نظام حکومتی آنها بر تقویت حکومت مرکزی مبتنی بود و قرن‌ها نیز حاکمیت آنها به طول انجامید، فاصله عمیق طبقاتی موجب رشد اختلافات گسترده‌ای میان عامه مردم با حکومت و طبقه حاکم گردید. این نکته که تنها هفده سال پس از پادشاهی اردشیر، جنبش مانویان به اوج خود رسید دلیلی آشکار بر ناخرسندی توده‌های مردم است. بعدها در اوایل سلطنت قباد، نهضت مزدک نیز نشانه‌ای از نارضایتی‌هایی بود که دوام حکومت مبتنی بر قشربندی اجتماعی را تحمل‌ناپذیر نشان می‌داد (زرین کوب، ۱۳۶۴ش، ص ۵۳۶).

موبدان و روحانیون زردشتی نه تنها به جمع‌آوری ثروت‌های کلان پرداختند بلکه خود توجیه‌گر تبعیض‌ها و فاصله طبقاتی شدند. در نامه‌ای منسوب به تنسر که موبد بزرگ دوران اردشیر بود، چنین آمده است: «شهنشاه... میان اهل در حیات و عامه تمییزی ظاهر و تمام با دید آورد به مرکب و لباس و سرای و بستان و زن و خدمتکار. بعد از این میان ارباب درجات هم تفاوت نهاد...» (نامه تنسر، ۱۳۱۱ش، ص ۱۹). موبدان از مقدسات دینی و ملی محسوب شده و در کنار ایزدان و فرشتگان ستوده می‌شدند و در نماز و نیایش دینی از آنان یاد می‌شد، چنان‌که در متون دینی آنان آمده است: «موبد پاک و سرور پاکی را که در داخل مملکت در خدمت است می‌ستاییم، موبد فرخنده پاک و سرور پاکی را که در خارج در گردش است ما می‌ستاییم» (پورداد، بی تا، ص ۱۶۸).

در کنار تشکیلات اداری کارآمد و برخی دست‌آوردها و پیشرفت‌های فنی و نظامی ساسانیان نمی‌توان از اختلاف شدید طبقاتی، نارضایتی عامه مردم، سخت‌گیری بر پیروان مذاهب غیرزردشتی، تحقیر و تضعیف طبقات محروم و برخی مشکلات دیگر که آثار آن بر جامعه ایرانی نامطلوب بود و موجب تفرقه بیشتر میان مردم شده بود صرف‌نظر نمود.

### ب - اقدامات پیامبر ﷺ در ایجاد فرهنگ وحدت و انسجام اسلامی

البته بررسی برنامه‌های عمیق فرهنگی پیامبر ﷺ به فرصتی جداگانه و مفصل نیاز دارد به‌ویژه آن‌که راه‌حل‌های مناسب، جامع و اصولی دین اسلام برای محدوده زمانی و مکانی خاصی طراحی نشده است بلکه برای سعادت بشریت می‌باشد که یکی از مقدمات و لوازم ضروری آن، وحدت و انسجام می‌باشد. به چالش کشیدن فرهنگ مبتنی بر خودگرایی و تفرقه که در میان مردم ریشه دوانده و به عنوان یکی از خصلت‌های آنان درآمده بود امری دشوار و شاید غیرممکن به نظر می‌رسید.

به طور قطع تنها با چند توصیه اخلاقی آن حضرت، وضعیت مذکور به شرایط مطلوب تبدیل نمی‌شد. فرایندی که ایشان برای مبارزه با این آفت عمیق اجتماعی برگزید و توانست در تمام جوامع در آن زمان و اعصار بعد همواره رهنمودی برای رهایی آنان از کشمکش‌های همیشگی قلمداد گردد در قالب راهبرد فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی در سیره پیامبر اکرم ﷺ مطرح می‌شود.

امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه راه‌کارهای پیامبر ﷺ را در ایجاد فرهنگ وحدت این‌گونه بیان می‌کند: «دل‌های نیکوکاران شیفته او گشت. نگاه‌ها به او دوخته شد، خداوند به وسیله او کینه‌های دیرینه را دفن کرد، شعله‌های فروزان دشمنی و عداوت را خاموش نمود. دل‌ها را با هم الفت داد و مردم را با هم برادر ساخت و دوستان را (در کفر و جهالت) از هم جدا کرد، ذلت‌ها را به عزت و عزت‌ها را به ذلت تبدیل کرد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۰۸). در شرایط کنونی دشمنان با بهره‌گیری از تجارب گذشته و به‌ویژه ضرباتی که از جانب بیداری اسلامی و اتحاد میان مسلمانان دریافت نموده‌اند از برخی زمینه‌های موجود و عوامل نفوذی خود استفاده کرده به گسترش اختلافات و ایجاد تضاد و درگیری بین مسلمانان پرداخته‌اند، از این رو ضرورت دارد راهبردهای کارآمد آن حضرت با دقت شناسایی و اجرایی گردد. مهم‌ترین این راه‌کارها در مواردی که ذکر می‌گردد قابل مطالعه و بررسی است:

## ۱- ارائه تعالیم اعتقادی توحیدی

بررسی وضعیت اجتماعی جوامع مختلف گویای این واقعیت است که بخش مهمی از اختلافات بشری به علت عدم‌گرایش و آگاهی نسبت به خداوند متعال بوده است. تسلیم و اظهار عبودیت در برابر انواع بت‌ها و یا برخی موجودات و اشخاص از قبیل پادشاهان سبب ظهور مرزهای جاهلانه در میان انسان‌ها شده است، در نتیجه، به بهانه‌های واهی آتش اختلافات در بین آنها زبانه کشیده و به جان یک‌دیگر افتاده‌اند. همگی پیامبران تشریحی و به تبع آنان پیامبران تبلیغی دعوت خود را بر محور توحید بنا نهاده‌اند اما پیروانشان دعوت آنها را تحریف نموده و خود سبب اختلافات دیگری گشتند.

توحید به بهترین و کامل‌ترین شکل در دین اسلام بیان گردید. آیات متعدد قرآن و کلام گویای پیامبر ﷺ در این راستا نیازمند فرصتی جداگانه است. از جمله در کتاب آسمانی اسلام چنین آمده است: «خدا، شما، خدای یکتاست و هیچ‌خدایی نیست جز او که بخشاینده و مهربان است» (قرآن کریم، سوره ۲، آیه ۱۶۳). تبلور راستین این باور در جامعه، ترک فردگرایی و غفلت از جهان اسلام است که در نتیجه، انسجام و وحدت همهٔ موحدان با یک‌دیگر عمیق می‌شود. اهتمام پیامبر ﷺ به رواج فرهنگ توحیدی علاوه بر ابعاد مهم و معنوی آن، از نظر اجتماعی نیز موجب وحدت و هم‌دلی گردید.

بر مبنای توحید در خلقت و یگانگی خالق، انسان‌ها چون از منشأ واحدی هستند در خلقت و فطرت مشترک، برابر و یکسان می‌باشند. جامعهٔ انسانی باید در راستای همین وحدت نوعی، انسانی و فطری سازمان یافته و میان افراد تبعیضی نباشد. خداوند، خالق، معبود و مدبر امور همگان است و همه افراد از اصل و ریشه واحدی آفریده شده‌اند. بین آنها در آفرینش، امتیاز و مزیتی که منشأ برخورداری‌های حقوقی باشد، وجود ندارد و تنها به واسطه تلاش‌ها و مجاهدات خود می‌توانند از مواهب طبیعی و نعمت‌های خدادادی بهره‌مند گردند. (موتقی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۵۰).

مهم‌ترین چالش استعمار در قرون اخیر در تسلط کامل بر ملت‌های مسلمان وجود حس مشترک و عمیق خداپرستی در میان آنان بوده است. این حس هرگاه در پرتو شناخت و درک عمیق در بین مسلمانان استحکام یافته است، راهبردهای شیطانی استعمارگران در جهت ایجاد نفاق، تجزیه، قومیت‌گرایی افراطی و مانند آن، بی‌اثر مانده است.

## ۲- طرح امت واحد

یکی دیگر از مؤلفه‌های بنای فرهنگ وحدت در میان مسلمان طرح امت واحد در اجتماع است. از جمله معانی این واژه، گروهی از افراد است که در جهتی مانند عقیده، زمان، مکان و... مشترک باشند (رازینی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۶). امت هم به عنوان امت بشری و هم به عنوان امت اسلامی مورد توجه قرآن است، زیرا امت بشری همان امت واحد است، همان‌گونه که دین تمام بشر یکی است. در اندیشه توحیدی جنسیت، رنگ، نژاد، قبیله و دیگر خصوصیات مانع تشکیل امت نمی‌شود، همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «همانا این امت شما، امت واحده است و من پروردگار شمایم پس مرا عبادت کنید» (قرآن کریم، سوره ۲۱، آیه ۹۲).

به نظر راغب اصفهانی، این‌که خداوند متعال در آیه ۱۲۰ سوره نحل، ابراهیم را به تنهایی یک امت قلمداد می‌کند به این خاطر است که او در عبادت خدا در مقام یک جماعت بود (راغب اصفهانی، پیشین، ص ۲۳). در همین خصوص هم‌چنین گفته‌اند ابراهیم امتی بود که فقط یک فرد داشت، زیرا آن روز فقط او موحد بود (قرشی، ۱۳۵۲ش، ج ۱، ص ۱۱۸). در نتیجه، وحدت در رهنمودهایی که پیامبر ﷺ به بشریت ارائه نمود فرایندی راهبردی بود که نزدیکی دل‌ها و اندیشه‌ها را به یک‌دیگر در حد یک ضرورت تعقیب می‌نمود. این وحدت در نمودهایی چون وحدت در جهان‌بینی، فرهنگ، پیش، معتقدات مذهبی، پرستش، آداب و سنن اجتماعی پدیدار می‌شود.

وجود برخی سوء تفاهات در بین جوامع مسلمانان در کنار وسوسه‌هایی که به ویژه در چند قرن اخیر معمولاً از جانب بیگانگان در میان آنها رواج یافته به دردی ویرانگر مبدل شده است. بیداری اسلامی و وحدت تحت لوای امت اسلامی با وجود برخی اختلاف نظرهای موجود، مسلمانان را به قدرتی شکست‌ناپذیر تبدیل خواهد نمود به گونه‌ای که هیچ نیرویی جرأت جسارت به مقدسات اسلامی و مسلمانان را پیدا نکند.

## ۳- اجتماع و اتحاد در انجام برخی مناسک دینی

دین اسلام عالی‌ترین راه کمال را برای سعادت بشر در قالب آموزه‌هایی جامع در قرآن مجید و سنت در برابر انسان‌ها قرار داده است. عبادات نقش بسیار مهمی برای رسیدن به این هدف ارزشمند دارد و جالب این‌که برخی از این عبادات به گرد آمدن چند نفر مشروط است و یا این‌که فضیلت آن در



صورت حضور اجتماع بیشتر است. نماز جمعه، نماز جماعت و حج از جمله این عبادات محسوب می‌شود.

ایده‌ها، تصورات و مفاهیم مذهبی در پیوند با علایق به عنوان ارزش‌ها، انگیزه‌ها، اهداف و جهان‌بینی‌های عاملین اجتماعی در ضمن کنش‌های آنان بروز می‌یابد و بر مسیر تاریخ تأثیر می‌گذارد. معمولاً مذاهب، پیروان خود را در خلوت و به گونه‌ای فردی و شخصی تحت تأثیر قرار می‌دهند اما برگزاری عبادات دسته‌جمعی مسلمانان به شکل پویا و در متن جامعه به طور مؤثری نهادهای اجتماعی را به خود جلب نموده و قدرت آرمانی اندیشه‌های دینی را برمی‌انگیزاند. تحکیم علایق اجتماعی با این ارزش‌های مذهبی موجب گردید تا به تدریج نه تنها باورهای دینی بلکه برخی اجزای مربوط به آنها از قبیل روح وحدت و هم‌دلی نیز در میان جامعه اسلامی تقویت گردد.

در فرهنگ‌سازی انجام عبادات به طور دسته‌جمعی و بیان برخی از فضایل و دستاوردهای آن در کنار رهنمودهای قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عترتش نقش بسیار مهمی داشتند؛ چنان‌که حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اوایل بعثت به همراه خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلِيٌّ نماز را با جماعت می‌خواند (طبری، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۲۱۳). در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام که توسط صحابی فاضل ایشان هشام بن حکم نقل شده آثار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اجتماع مسلمانان در حج بیان شده است. امام می‌فرماید:

«همانا خداوند مردم را آفرید... و آنان را به اموری که مصلحت دین و دنیای آنها در آن است فرمان داد که از جمله آنها تشکیل یک اجتماع بزرگ با حضور مسلمانان از شرق و غرب عالم - در فریضه حج - بود تا یک‌دیگر را بشناسند. هم‌چنین با آثار و اخبار رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آشنا شده همواره آنها را در خاطره‌ها زنده بدارند... و اگر هر ملتی به شهرها و امکاناتی که در آنها دارند بسنده و تکیه می‌کردند، نابود می‌گشتند، شهرها ویران می‌شد و جذب سود و کالا از بین می‌رفت و از خبرها نیز آگاه نمی‌شدند...» (حر عاملی، ۱۳۸۲ش، ج ۱۱، ص ۱۴).

شکل‌گیری روحیه معنوی و هم‌بستگی در انجام مناسک عبادی به تدریج فرهنگ اتحاد و هم‌دلی را در میان مسلمانان گسترش داد، در غیر این صورت با وجود اختلافات قومی و برخی تنگ‌نظری‌ها، در مدتی کوتاه هیچ نشانه‌ای از محبت مسلمانان نسبت به یک‌دیگر باقی نمی‌ماند. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در کلامی عمیق به برکات گسترده این مناسک اشاره نموده و می‌فرماید: «منفعت حج به کسانی که در شرق و غرب و در خشکی و دریا و به کسانی که حج به جای آورده‌اند و یا موفق به انجام حج نشده‌اند خواهد رسید» (صدوق، ۱۳۷۴ش، ص ۴۰۴).

#### ۴- طرح حقوق مشترک انسانی

یکی از مهم‌ترین محورهایی که در ذیل آن امکان همراهی و هم‌دلی انسان‌ها با یک‌دیگر فراهم می‌شود طرح حقوق مشترک برای آنها می‌باشد. در آیات متعددی از قرآن به حقوق انسان‌ها، از قبیل حفظ حیات انسان‌ها، حق برخورداری از نعمت‌های الهی، حق امنیت و آرامش، حق برابری در برابر قوانین و مقررات و موارد دیگر اشاره شده است و حتی به صراحت هر گونه امتیاز نژادی، قومی و قبیله‌ای طرد شده و بر حفظ عزت و کرامت انسانی تأکید گردیده است.

پیامبر اسلام ﷺ در گفتار و عمل خود اهمیت به حقوق انسانی را در بالاترین حد رعایت نموده است. ایشان پس از ورود فاتحانه به مکه ضمن جلوگیری از هر گونه انتقام و کشتار، خطاب به مسلمانان و مردم شهر مکه فرمود: «ای گروه قریش! خدا در پرتو اسلام نخوت و غرور و فخرفروشی جاهلیت به آباء و اجداد را از بین برد، انسان‌ها همگی از آدم‌اند و آدم نیز از خاک برگرفته شده است» (سقا - ایاری - شلیبی، ۱۳۶۳ش، ص ۸۸۴).

پیمان‌هایی که آن حضرت با اهل کتاب منعقد نمود در این راستا ارزیابی می‌شود. نکته جالب، پای‌بندی کامل آن حضرت به این قراردادها بود مگر این‌که از جانب طرف مقابل خلف پیمان انجام می‌گرفت. در بخشی از پیمان ایشان با مسیحیان چنین آمده است: «... به هر حال من متعهدم که دورترین افراد مسیحی را در مرزهای خودم با سواران و پیادگان و تمام نیرو و سلاح و پیروان مسلمان خودم... حفظ کنم و ایشان را مورد حمایت قرار دهم... و آنان را در ذمه و میثاق و امان خود قرار دهم، از هر آزار و رنج و سختی و ناخوشایندی حفظ کنم و ایشان را یاری دهم و هرگاه دشمنی آهنگ من و ایشان کرد به تن خویش و همراه یاران و پیروانم و مسلمانان از آنان حمایت کنم و چون من دارای سلطنت بر ایشانم از همین جهت رعایت ایشان بر من لازم است...» (حمیدالله، ۱۳۷۷ش، ص ۲۳۷-۲۳۹).

پیامبر اکرم ﷺ هم‌چنین پس از ورود به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، با یهودیان بر اساس تعهد آنان به عدم خیانت به مسلمانان، پیمانی در چند بند منعقد نمود که بر اساس برخی مفاد آن امنیت جان و مال و دیگر حقوق آنان تضمین گردید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۹، ص ۱۱۰). آن حضرت به موازات این قبیل پیمان‌ها، قراردادهای بین قبایل را که در اصطلاح، «حلف قبایل» خوانده می‌شد باطل نمود، زیرا این قراردادها یکی از عوامل مهم اختلافات بین آنان بود.

پیامبر ﷺ با ارائه طرح‌های مختلف، به تحکیم راهبرد گسترش وحدت در جامعه اسلامی پرداخت؛ برای مثال، با وجود رقابت و دشمنی دیرینه میان اعراب جنوبی (قحطانی)، شمالی (عدناتی) جریان عقد برادری (مؤاخات) میان مهاجرین - که از اعراب عدناتی بودند - و انصار - که از اعراب قحطانی - بودند در مدتی کوتاه و به نحو شگرفی کینه‌های دیرینه را از بین برد. روند این تحولات با رهنمود رسول خدا ﷺ که فرمود: «در راه خدا دو تا دو تا با هم برادری کنید» (بلاذری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۱۸) و نفوذ معنوی وی در بین آنان ادامه یافت. این تحولات فرهنگی وحدت‌بخش در حالی حاصل شد که اجزای تفرقه یکی پس از دیگری در جامعه کنار می‌رفت، از جمله دشمنی دیرینه اوس و خزرج که با ورود آن حضرت به مدینه از میان رفت.

این رویکرد بسیار کارآمد نیاز کنونی همه جوامع اسلامی است تا بتوانند با تمرکز بر حقوق مشترک میان همه انسان‌ها که خداوند در خلقت آنها لحاظ کرده و در تمام ادیان الهی و به خصوص در شرع مقدس اسلام بر آن تأکید نموده است گرد هم آیند. گسترش این راهبرد که بنی‌آدم از یک خانواده بوده و در شادی و غم یک‌دیگر سهیم می‌باشند. به صورت فزاینده‌ای تمامی جوامع به ویژه ملل اسلامی را که دارای مشترکات متعدد دیگری نیز می‌باشند به یک‌دیگر نزدیک می‌کند و بسیاری از تنش‌ها را از بین می‌برد.

## ۵ - مبارزه با افکار و باورهای اختلاف‌برانگیز

پیامبر اکرم ﷺ در برنامه‌های کارآمد و منسجم خود جهت ایجاد تحول بنیادین در فرهنگ جامعه، علاوه بر طرح راه‌کارهای مناسب در ایجاد و تقویت وحدت در میان مردم به مبارزه قاطع با برخی افکار متحجرانه و رسوم جاهلی که از عوامل مهم تفرقه و دشمنی میان آنان بود برخاست. ارائه آموزش‌های مناسب در همه ابعاد از جمله عدم مجادله و اختلاف برای کوچک‌ترین واحد اجتماعی، یعنی خانواده، تا کل جامعه همواره از جانب ایشان تعقیب گردید.

این نکته مهم از نظر برخی نویسندگان غربی دور نمانده است، چنان‌که توماس کارلایل محقق انگلیسی می‌گوید: «محمد ﷺ قوانین مدنی و اخلاقی را عرضه کرد تا وحشی‌گری و ددمنشی را براندازد و بی‌قانونی و هرج و مرج را با نظم و تمدن جای‌گزین سازد» (صمیمی، ۱۳۸۲ش، ص ۳۴۸). ویل دورانت نیز با تأکید بر تلاش‌های بسیار زیاد پیامبر ﷺ در ایجاد تحولات عمیق در جوامع مسلمان شده، وضعیت آنان را این‌گونه ارزیابی می‌کند: «طی پنج قرن از لحاظ نیرو، نظم،

بسط قلمرو حکومت، تصفیه اخلاق و رفتار، سطح زندگانی، وضع قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی، ادبیات، دانشوری، علم، طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بودند» (دورانت، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۴۳۲).

تحصیل این تحولات در نتیجه فرایندی اعتقادی - تربیتی بود که قادر گردید ابعادی از برخی باورها، ارزش‌ها و رفتارهای نامناسب فرهنگی این جوامع را دچار چالش نماید. اهتمام فداکارانه پیامبر ﷺ و رهنمودهای مستمر ایشان در تبیین و تفسیر آیات الهی نتایج خود را آشکار نمود. البته بخش عمده جهت‌گیری ایشان برای دست‌یابی به وحدت، در راستای از بین بردن ریشه‌های اختلاف بود، چنان‌که در بخشی از سخنان خود در فتح مکه فرمود: «هیچ عربی را بر عجمی و هیچ عجمی را بر عربی جز پرهیزکاری برتری نیست» (یعقوبی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۱۱۰). آن حضرت حتی در آخرین لحظات عمرش نیز بر وحدت تأکید نمود؛ در حال بیماری با کمک علی رضی الله عنه و فضل بن عباس به مسجد وارد شد و در بخشی از سخنان خود چنین فرمود: «شما بر من وارد می‌شوید و من از این نگران نیستم که شما مشرک شوید ولی نگران دنیای شما هستم که بر سر آن با هم رقابت و کشمکش کنید» (ابن‌سعد، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۲۳۹).

برخورد قاطعانه پیامبر ﷺ با هر گونه نگرش و عوامل تفرقه به ویژه پس از استقرار در مدینه موجب گردید تا زمینه‌های بروز اختلاف به حداقل خود برسد. با این حال، عناصر تفرقه‌افکن و در رأس آنها منافقان و یهودیان هر بار به طریقی برای دست‌یابی به اهدافشان تلاش نمودند. البته پیامبر ﷺ نیز بلافاصله در برابر حرکت آنان اقدام می‌نمود. دستور آن حضرت به تخریب مسجد ضرار در شهر مدینه از جمله این اقدامات بود.

در دوران حساس کنونی که ندای اسلام با وجود تمامی مخالفت‌ها در سراسر جهان طنین‌انداز شده است نقشه‌هایی شیطانی به برخی اختلاف‌نظرها دامن می‌زند، از این رو بر تمامی علمای اسلامی و همه روشن‌فکران و جوانان است که در برابر این فتنه‌ها هوشیار بوده و از تکرار اتهامات ناروا نسبت به یک‌دیگر خودداری نمایند.

### ۶- جذب حداکثری با اخلاق اسلامی

از عرصه‌هایی که معمولاً موجب پراکندگی و تفرقه در میان مردم می‌شود نداشتن تحمل اخلاقی، تنگ‌نظری، عبوس بودن و نداشتن جاذبه اخلاقی نسبت به یک‌دیگر است. بخش مهمی از اتحاد امت

اسلامی در ذیل رهبریت پیامبر ﷺ مرهون جاذبه اخلاقی و رفتاری ایشان بود. در قرآن چنین آمده است: «رحمت خداوند تو را با مردم خوش خوی گردانید و اگر سخت دل بودی مردم از اطراف تو متفرق می شدند پس چون امت بد کنند از آنان درگذر و از خدا برای آنها طلب آمرزش کن» (قرآن کریم، سوره ۳، آیه ۱۵۹).

ذکر ابعاد مهربانی و آثار گذشت آن حضرت در اجتماع مردم اطراف ایشان در این مختصر نمی گنجد، از این رو تنها به نقل چند مورد مختصر اکتفا می شود. از جمله، آن حضرت پس از فتح مکه، از دشمنان بی رحم خود انتقام نگرفت، حتی به «هند» مادر معاویه و «وحشی» که عموی حمزه را تکه تکه کرده بودند، هیچ آسیبی نرساند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۵۲). تحمل، محبت، گذشت و دلسوزی وی چنان بود که وقتی یارانش تقاضا کردند قبیله ثقیف را نفرین کند، فرمود: «خدایا ثقیف را هدایت فرما و آنان را در زمره ما درآور (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۹۳۷). می فرمود: «اسلام دینی متعادل است در انجام دستورات آن با مدارا رفتار کنید» (ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۸). خطاب به مشرکان نیز فرمود: «من تنها برای رحمت مبعوث شده ام» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۴۹۴).

این سیره اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ که الگویی برای تمام امت های اسلامی و به ویژه دولت مردان و صاحب منصبان است تنش ها و اختلافات را به حداقل رسانده و موجب هم دلی و اجتماع آنان با یکدیگر خواهد شد و در نتیجه، دشمنان از بسیاری نقشه ها و برنامه های خود مأیوس خواهند شد. نقل شده که عروه بن مسعود سفیر قریش، نزد آن حضرت گفت: «هرگز پادشاهی را ندیده ام که در میان یاران خود این قدر محبوبیت داشته باشد که محمد ﷺ در میان اطرافیان خود دارد. صدای خود را در حضور وی بلند نمی کنند و به هر کاری فرمان دهد فوراً انجام می دهند» (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۹۳۷).

### نتیجه

یکی از مهم ترین محورهای دعوت پیامبر اعظم ﷺ پی ریزی و مستحکم نمودن بنیان های وحدت در میان مسلمانان بود. با توجه به این که فرهنگ به مثابه فضایی برای حیات فرد و جامعه است که در آن حیات و فعالیت همگان جریان داشته و در واقع به عنوان هدایت گر اصلی مادی و معنوی فرد و جامعه ایفای نقش می نماید، آن حضرت بخش مهمی از فعالیت خود را مصروف فرهنگ سازی در این خصوص نمود. استفاده از پیمان های ارزشی که با شناخت دقیق ظرفیت های

اجتماعی حاکم بر جامعه انجام پذیرفت نقش مهمی در گرایش عمومی به سوی ایجاد اتحاد عمومی داشت.

از آن جا که دعوت جهانی پیامبر ﷺ برای همه زمان‌ها و مکان‌ها بود، آرمان‌ها و اهداف ایشان در تمامی ابعاد، از جمله وحدت اسلامی، در ظرف محدود زمانی و مکانی خاص قرار نمی‌گیرد. در فرهنگ همه جوامع اسلامی به رغم اختلافات و پراکندگی‌های موجود در طول تاریخ، بن‌مایه‌های وحدت به شکلی کاملاً ملموس وجود دارد. برخی از متفکران و دلسوزان جهان اسلام در قرون اخیر با استناد به همین موضوع و با توجه به اهتمام پیامبر ﷺ در حفظ وحدت مسلمین قضیه وحدت جهان اسلام را به عنوان اولین و مهم‌ترین مسئله ملل اسلامی پی‌گیری کرده‌اند. چنانچه استراتژی پیامبر ﷺ در پی‌ریزی مناسب وحدت در فرهنگ اسلامی انجام نمی‌پذیرفت به طور قطع اکنون هیچ نشانه و حتی زمینه‌ای برای آن در جوامع کنونی مسلمان قابل تصور نبود. به بیان دیگر، چنانچه مسلمانان به حقیقت وجودی و فرهنگ غنی اسلامی خویش توجه نمایند از فاصله‌های نژادی، فرقه‌ای، منطقه‌ای، حزبی و غیره فاصله گرفته و تحت راهبردهای این فرهنگ به یک‌دیگر نزدیک می‌شوند.

## منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، تحقیق و ترجمه: محمد دشتی، پیام عدالت، قم، ۱۳۸۵ ش.
- ۳- آراسته‌خو، محمد، فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، نشر گسترده، تهران.
- ۴- آلوسی، محمد، بلوغ الادب فی عرفه احوال العرب، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- ۵- آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶ ش.
- ۶- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکریم، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
- ۷- \_\_\_\_\_، الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق.
- ۸- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
- ۹- ابن عبدربه، شهاب‌الدین احمد، تقدیم خلیل شرف‌الدین، دار و مکتبه الهلال، بی‌جا، ۱۹۸۶ م.
- ۱۰- ابن کثیر، ابوالفداء (۱۴۰۹ ق)، البدایه و النهایه، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- ۱۱- باتامور، تی بی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن منصور، حسن حسین کلجاهی و دیگران، کتاب حبیبی، تهران، ۱۳۵۷ش.
- ۱۲- بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۴ق.
- ۱۳- بلاشر، رژی، *تاریخ ادبیات عرب*، ترجمه: آذرتاش آذرنوش، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳ش.
- ۱۴- پورداود، ابراهیم، (گزارش) *خرده اوستا*، انجمن زرتشتیان ایران و انجمن ایرانی لیگ، بی‌تا.
- ۱۵- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۳۸۲ش.
- ۱۶- حمیدالله، محمد، *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام*، ترجمه: محمد حسینی، سروش، تهران، ۱۳۷۷ش.
- ۱۷- دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، ترجمه: ابوطالب صارمی و دیگران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
- ۱۸- رازینی، علی، *پژوهشی پیرامون مفردات قرآن*، دفتر پژوهش و نشر سپهرودی، تهران، ۱۳۸۶ش.
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب الفاظ القرآن*، دارالمعرفه، بیروت، بی‌تا.
- ۲۰- زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ مردم ایران قبل از اسلام*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ش.
- ۲۱- سقا، مصطفی، ابیاری، ابراهیم - شلی، عبدالحفظی، *سیره النبویه لابن هشام*، مهر، قم، ۱۳۶۳ش.
- ۲۲- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، الخصال، مطبعه الشفیعی، بی‌جا، ۱۳۷۴ش.
- ۲۳- صمیمی، مینو، محمد ﷺ *در اروپا*، ترجمه: عباس مهرپویا، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۲ش.
- ۲۴- طبری، محمد بن حریر، *تاریخ الامم و الملوک* (تاریخ طبری)، عزالدین، بیروت، ۱۹۸۷م.
- ۲۵- علی، جواد، *تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام*، ترجمه: محمدحسین زمانی، کتابسرای باب بابل، بابل، ۱۳۶۷ش.
- ۲۶- قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۲ش.

- ۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- ۲۸- گرانیپایه، بهروز، *فرهنگ و جامعه*، شریف، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۲۹- لمان، نرمان، *اصول روان‌شناسی*، ترجمه: محمود ساعتچی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۲ ش.
- ۳۰- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- ۳۱- مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۵۹ ش.
- ۳۲- موثقی، احمد، *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۰ ش.
- ۳۳- *نامه تنسر*، تصحیح: مجتبی مینوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۱۱ ش.
- ۳۴- وافدی، محمد بن عمر، *المغازی*، تحقیق: مارسدن جونز، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
- ۳۵- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ الیعقوبی*، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۳۷۳ ش.

